



Islamic Azad University, Lahijan Branch

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

HomePage: <http://jclld.liau.ac.ir>

Vol.1, No.3, Issue 3, Autumn 2022, P:15-35

Receive Date: 2022/10/22**Revise Date:** 2022/10/4**Accept Date:** 2022/8/27**Article type:** Original Research**Online ISSN:** 2821-2339**DOI:** 10.30495/JCLD.2022.697147

The Challenges of the Judicial Criminal Policy of Iran in dealing with the Crimes of Disturbance of the Economical System of Country (with a Critical Approach to a Number of Judgments of the Criminal Courts)

Sayyed Ali Hosein Al-Hoseini¹Saeid Hakimiha²Sayyed Ali Jabbar Golbaghi Masouleh³**Abstract**

The crime of disturbance of the economical system of Iran, due to the frequency of its occurrence in recent decades is regarded by the criminal law community of Iran and the subject of researches in the field of criminal sciences that in this regard, the upcoming article with identification of existing shortcomings and gaps in the judicial criminal policy of the Islamic Republic of Iran in confronting the disturbance in the economical system of the country, tries to indicate disorders originated from the implementation of this policy in the judicial procedure. The resulted findings from examination of the judicial criminal policy in dealing with these series of crimes of disturbance of the economical system of country, indicates that the criminal policy of Iran in dealing with these kind of crimes is different from other crimes and is in a repressive way and the most important challenges of the judicial criminal policy of Iran in confronting the crimes of disturbance of the economical system of the country is the multiplicity of the investigative authorities, binary interpretations and comments of the trial courts of the mentioned phrases and words in the Penal Code of Disruptors in the Economical System of the Country approved in 1369 and even the lack of the public prosecutor's office and the professional courts at the level of the country's provinces are for the purpose of professional researches and investigations about such crimes.

Keywords: economic crimes, the crime of disturbance of the economic system, judicial criminal policy and economical crime, the challenge of criminal policy against the crime of disturbance.

¹. A Graduate of Ph.D in Criminal Law and Criminology, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran. ali.hoseiny5925@gmail.com.

². Associate Professor of department of Law, Faculty of Social and Cultural Sciences, Imam Hussein University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) hakimiha@yahoo.com.

³. Assistant Professor, department of Jurisprudence and Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran. pm.sadra87@gmail.com.



دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

سال اول - شماره ۳ - شماره پیاپی ۳ - پاییز ۱۴۰۱، ص ۱۵-۳۵	Home page: http://jclld.liau.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲
نوع مقاله: پژوهشی	شاپا الکترونیکی: ۲۸۲۱-۲۳۳۹
	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۳۰
	DOI: 10.30495/JCLD.2022.697147

چالش‌های سیاست جنایی قضایی ایران در رویارویی با جرایم مخل نظام اقتصادی کشور (با رویکردی انتقادی به شماری از آراء محاکم کیفری)

سید علی حسین الحسینی^۱

سعید حکیمی‌ها^۲

سید علی جبار گلباغی ماسوله^۳

چکیده

جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور ایران، به جهت فراوانی وقوع آن در دهه‌های اخیر، مورد توجه جامعه‌ی حقوق کیفری ایران و موضوع پژوهش‌های عرصه علوم جنایی قرار دارد که در این راستا، نوشتار پیش رو، با شناسایی کاستی‌ها و خلاءهای موجود در سیاست جنایی قضایی جمهوری اسلامی ایران در رویارویی با اخلال در نظام اقتصادی کشور می‌کوشد نابسامانی‌های پدید آمده را از اجراء این سیاست، در رویه‌ی قضائی، نمایان سازد. یافته‌های به دست آمده از بررسی سیاست جنایی قضایی ایران در رویارویی با جرایم موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور، نشان می‌دهد که سیاست جنایی ایران برابر این دسته از جرایم، متفاوت از سایر جرائم و به روشی سرکوبگرانه است و مهمترین چالش‌های سیاست جنایی قضایی ایران در رویارویی با جرایم موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور، تعدد مراجع رسیدگی کننده، تفاسیر و برداشت‌های دوگانه‌ی دادگاه‌های رسیدگی کننده از عبارات و واژه‌های مذکور در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ شمسی و همچنین نبود دادسرا و دادگاه‌های تخصصی در سطح استان‌های کشور، جهت انجام تحقیقات و رسیدگی تخصصی به این گونه جرائم است.

واژگان کلیدی: جرایم اقتصادی، جرم مخل نظام اقتصادی، سیاست جنایی قضایی و جرم اقتصادی، چالش سیاست جنایی قبال جرم مخل نظام اقتصادی.

۱. دانش آموخته دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران ali.hoseiny5925@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشکده و پژوهش‌شکده علوم اجتماعی و فرهنگی دانشگاه امام حسین(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
hakimiha@yahoo.com

۳. استادیار گروه فقه و حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران pm.sadra87@gmail.com

مقدمه

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال ۱۳۵۹ و در نتیجه تحریم‌های شدید اقتصادی، عده‌ای با سوء استفاده از ثروت و نفوذ سیاسی، با اقدامات مجرمانه‌ی خود، لطمات زیانبار و غیر قابل جبرانی را بر پیکر اقتصادی کشور وارد کردند. این امر، قانونگذار ایران را بر آن داشت تا برای اولین بار در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۲۸ قانونی را تحت عنوان: «قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور» به تصویب برساند. ماده یک این قانون در هفت بند (اصلاح شده در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۸)، مصادیق جرم اخلا ل در نظام اقتصادی کشور را تعیین کرده است.

بررسی جرایم مخل نظام اقتصادی کشور، از این جهت اهمیت یافته است که علاوه بر آسیب جدی به منافع و نظام اقتصادی کشور، بخش عمده‌ای از مرتکبان این جرایم، اشخاص یقه سفید و با نفوذ جامعه هستند که از موقعیت خود بر خلاف منافع اقتصادی کشور و عموم مردم سوء استفاده کرده و موجبات شیوع فساد گسترده و نارضایتی اجتماعی را فراهم ساخته‌اند؛ لذا یکی از عوامل اصلی عدم پیشگیری و مقابله مؤثر با این گونه جرایم را باید در ضعف سیاست جنایی کارآمد در مقابله با این جرایم جستجو کرد.

در تحولاتی که سیاست جنایی قضایی جمهوری اسلامی ایران به منظور مقابله با جرایم مخل نظام اقتصادی داشته است، می‌توان اتخاذ رویکردی افتراقی و گرایش به سمت و سوی ارباب و سرکوب در مجازات را مشاهده کرد؛ به عبارتی دیگر، می‌توان گفت که نظام حقوقی ایران، در امر مقابله با جرم اخلا ل در نظام اقتصادی، از راهبرد امنیتی و قضایی استفاده کرده است؛ لیکن به نظر می‌رسد که متولیان امر از عدم کارایی این راهبرد، به تنهایی و نادیده انگاشتن عوامل ریشه‌ای بروز این نوع فساد اقتصادی در حد گسترده، غافل بوده‌اند؛ بنابراین، تازمانی که درآمدهای انتظاری ناشی از اقدام به فساد اقتصادی، به دلیل ساختار ناکارآمد اقتصاد سیاسی و دولتی، انگیره قوی برای فساد فراهم می‌کند، اقدام به فساد اقتصادی یک رویه و امر شایع خواهد بود. قطعاً، در چنین زمینه‌ی فساد خیزی، اولویت دادن به راهبرد امنیتی و قضایی در مقابله و مبارزه با اخلا ل اقتصادی، راهبردی پرهزینه، ناکارا و از پیش شکست خورده خواهد بود.

این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال است که مهمترین چالش‌های موجود در سیاست جنایی قضایی ایران در مقابله با اخلا ل در نظام اقتصادی کشور چیست و رویه قضایی در این خصوص، چه رویکردی داشته است؟

۱. ماهیت جرایم اقتصادی

جرم اقتصادی ناظر به اعمال مخل سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی است؛ برای مثال، عدم رعایت ضوابط در توزیع خدمات و امکانات دولتی و سوء تخصیص و اجحاف کارمندان و مسئولین دولتی نسبت به بخش خصوصی، فساد اقتصادی، محسوب است. برخی، جرایم مالی را جزئی از جرایم اقتصادی می‌دانند، ولی مفهوم جرایم اقتصادی با جرایم مالی از نظر طبیعت یا ماهیت و هدف متفاوت است. در جرایم مالی، مصلحت خزانه دولت مورد تعدی و تجاوز قرار می‌گیرد و از طرفی ارزش مورد حمایت، اساساً، سرمایه و دارایی اشخاص حقوق خصوصی و عمومی است؛ مانند اختلاس و تدلیس در معاملات دولتی (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲، ۲۰۱)، ولی در جرایم اقتصادی، هدف اولیه و اساسی، حفظ و حمایت از سیستم اقتصادی، یعنی: ساختارهای مرتبط با تولید، توزیع و مصرف مال و ثروت است؛ مانند: پولشویی و اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور. جرم اقتصادی، دارای مفهومی گسترده‌تر از جرایم کسب و کار است. همین گستردگی موجب شده تا جرایم اقتصادی ویژگی‌هایی به این شرح داشته باشند:

- ۱) در قالب تجارت و فعالیت‌های حرفه‌ای، به طور عمده، عاملان، به دنبال سود هستند.
- ۲) به صورت یک مجموعه یا سیستم منسجم و سازمان یافته رفتار می‌کنند.
- ۳) باید با استفاده از فعالیت‌های تجاری، صنعتی و فنی، قانونی و حرفه‌ای صورت بگیرد.
- ۴) مرتکبین به طور کلی و نه الزاماً، از یک موقعیت یا قدرت اجتماعی یا سیاسی و یا هر دو برخوردار هستند (Rico Jose, 2012, 21).

جرایم اقتصادی، نه تنها نظام اقتصادی، بلکه تمام سطوح نظام اجتماعی را دچار چالش می‌کند و لذا این دسته از جرایم، باید با سیاست جنایی جامعی کنترل شوند. فضای اقتصادی ایران هم به دلیل ابتلاء به آسیب‌های متعدد، نسبت به نظام‌های اقتصادی پیشرفته، زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می‌کند (حسینی و مهرا، ۱۳۹۴، ۴۵).

ارتباط و نزدیکی جرم اقتصادی با فساد مالی، فساد اقتصادی، جرم تجاری یا بازرگانی، به گونه‌ای است که در برخی موارد همپوشانی دارند. در مقایسه‌ی فساد مالی با جرم اقتصادی، می‌توان گفت که فساد مالی با سوءاستفاده از قدرت تفویض شده، در جهت منافع شخص، اعم از اینکه در بخش خصوصی باشد یا دولتی، ویژگی مرتکب جرم (صاحبان قدرت و مستخدمین دولتی یا وابسته به دولت) در آن، موضوعیت دارد، ولی مرتکب جرایم اقتصادی می‌تواند هر فردی از اعضای جامعه اعم از کارکنان دولت و یا دیگر طبقات اجتماعی باشد؛ لذا ارتکاب جرایم فساد مالی که صرفاً اعتماد مردم به کارگزاران دولتی را مخدوش می‌کند بدون اینکه در فعالیت‌های اقتصادی، مؤثر باشد، نمی‌تواند مصداق جرم اقتصادی باشد. فساد اقتصادی نیز به خودی خود جرم محسوب نیست، بلکه می‌تواند معیاری برای شناسایی جرم اقتصادی باشد؛ به عبارت بهتر، فساد اقتصادی رفتاری است که بنیان اقتصادی کشور را مورد تهدید قرار

می‌دهد و موجب اخلال در نظام اقتصادی می‌شود در حالی که جرم اقتصادی، ناظر به اعمال مخمل به سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی است (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲، ۱۶۸).

۱-۱. تعریف جرم اقتصادی

در قوانین کیفری ایران، جرم اقتصادی، تعریف نشده است، لکن در حقوق داخلی برخی از کشورها، گاهی تعریف و گاهی به جای تعریف، مصادیق این جرم بیان شده است؛ برای مثال، قانون جرایم اقتصادی اردن، در ماده ۳ جرایم اقتصادی را این گونه تعریف می‌کند: «جرایم اقتصادی، جرایمی هستند که احکام این قانون و قوانین مشابه نسبت به آن‌ها اجراء می‌شود و به اموال عمومی تعلق دارند و موجب ضرر زدن به بنیان اقتصادی کشور یا اعتماد عمومی نسبت به اقتصاد ملی یا پول ملی یا سهام یا اسناد و اوراق مالی رایج در کشور می‌شوند». این ماده، بیش از آنچه که تعریف باشد، ضابطه را بیان کرده است. در تعریفی دیگر، جرایم اقتصادی عبارت هستند از: جرایمی که در قوانین مربوط به حمایت از فعالیت‌های اقتصادی آمده است، اعم از اینکه در قانون جرایم اقتصادی پیش بینی شده باشد، یا در قوانین متفرقه‌ای که فعالیت‌های اقتصادی را تنظیم می‌کند (زراعت، ۱۳۹۱، ۱۲).

رایج‌ترین تعریفی که از جرم اقتصادی صورت گرفته، عبارت است از: رفتار مجرمانه‌ای که اشخاص حقیقی و حقوقی به انگیزه تحصیل مزایای اقتصادی مرتکب می‌شوند. از دیدگاه بچر، حقوقدان سوئیسی، جرم اقتصادی، «مجموعه‌ای از جرایم علیه اموال است که بدون خشونت، ولی همراه با تزویر و فریب، یا سوءاستفاده از موقعیت، یا قدرت نفوذ و تأثیرگذاری و یا با انگیزه کسب منفعت، ارتکاب می‌یابد». با این وصف، جرایم اقتصادی، فراتر از جرایم یقه سفیدان است؛ زیرا جرم اقتصادی، جرایم ارتكابی خارج از چهار چوب فعالیت حرفه‌ای مبتنی بر تزویر را هم در بر می‌گیرد (Sjogren, 2004, 120-121).

دیوان عالی کشور فرانسه، در یک رأی، جرم اقتصادی را جرمی دانسته است که مربوط به چرخه تولید، توزیع و مصرف است و چون گردش این سه فرایند اقتصادی به وسیله پول صورت می‌گیرد و عنصر اصلی مبادله در اقتصاد هم پول است، لذا در نهایت، منجر به اخلال در نظام اقتصادی می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶، ۶).

معمولاً وقتی از جرم اقتصادی سخن گفته می‌شود، بلافاصله، نظرها به جرایم فساد مالی و سازمان یافته معطوف است، در حالی که همه جرایم فساد مالی، جرم اقتصادی نیستند؛ اگرچه در اکثر موارد نتایج و عواقب جرایم فساد مالی و جرایم اقتصادی یکسان هستند. به علاوه، ممکن است یک عمل مجرمانه، هم فساد مالی باشد و هم جرم اقتصادی (Thiankolu, 2006, 7).

جرایم اقتصادی به طور کلی به دو دسته تقسیم شده‌اند: اعمال غیرقانونی کسانی که به منظور تحصیل پول برای خودشان مرتکب می‌شوند و اعمال غیرقانونی کسانی که اساساً برای دستیابی به اهداف شرکت خود یا سازمان‌های دیگر مرتکب می‌شوند.

تعریف مشخصی از جرائم اقتصادی در قوانین کیفری ایران وجود ندارد و قاضی نیز نمی‌تواند به اندازه‌ای اختیار داشته باشد که مصادیق جرم اقتصادی را تشخیص دهد؛ زیرا تبیین ارکان و شرایط تحقق جرائم با قانونگذار است و قاضی، تنها، پرونده‌ها و مصادیق را با این شرایط تطبیق می‌دهد (سلطانی‌فرد، ۱۳۹۷، ۱۵۰).

۱-۲. مصادیق جرم اقتصادی

با توجه به اشکالات و اختلافات موجود در زمینه‌ی تعریف جرم اقتصادی، در قوانین و اسناد کاربردی حقوقی، برای شناسایی جرایم اقتصادی، از روش «تبیین حصری مصادیق» در کنار تعریف مفهومی جرم اقتصادی، به صورت روشی مستقل استفاده می‌شود. شورای اروپا نیز طی توصیه‌نامه‌ی شماره: ۱۲ - (۸۱) کمیته وزرای شورای اروپا به دولت‌های عضو، در خصوص جرایم اقتصادی (۲۵ ژوئن ۱۹۸۱) از روش تعریف کلی، عدول کرده و به تبیین مصادیق پرداخته است.

وفق ضمیمه این رهنمود، جرایم اقتصادی عبارت از این موارد هستند: جرایم کارتلی؛ اقدامات مشتمل بر تقلب و کلاهبرداری، سوءاستفاده از موقعیت توسط شرکت‌های چند ملیتی؛ کسب متقلبانه‌ی امتیازها از دولت یا نهادهای بین‌المللی یا سوء استفاده از آن‌ها؛ جرایم رایانه‌ای (مانند سرقت داده، تجاوز به اسرار، دستکاری داده‌های رایانه‌ای)؛ بنگاه‌های تقلبی، جرایم جعل و دست‌کاری ترازنامه‌های مالی اسناد حسابداری شرکت؛ تقلب مرتبط با موقعیت اقتصادی سرمایه‌مشارکت‌ها؛ تجاوز به استانداردهای امنیت سلامت کارگران در شرکت؛ تقلب به منظور آسیب به حقوق بستانکاران (مانند ورشکستگی، تجاوز به حقوق معنوی صنعتی)؛ تقلب نسبت به مصرف‌کنندگان (به ویژه اظهار کذب گمراه‌کننده در مورد کالا، جرایم علیه سلامت عمومی، سوء استفاده از ضعف و بی‌اطلاعی مشتری)؛ رقابت ناعادلانه (مشتمل بر رشاء به یک مستخدم شرکت رقیب) تبلیغات گمراه‌کننده؛ جرایم مالیاتی گریز از پرداخت هزینه‌های اجتماعی به وسیله‌ی بنگاه‌ها؛ جرایم گمرکی (مانند: گریز از پرداخت عوارض گمرکی، نقض محدودیت‌های سهمیه‌ای)؛ جرایم مرتبط با مقررات پولی و وجه رایج؛ جرایم بانکی بوری (مانند: مبادله‌ی متقلبانه-ی سهام و سوء استفاده از بی‌اطلاعی عموم)؛ جرایم علیه محیط زیست (حسنی و مهرا، ۱۳۹۴، ۵۳).

صدر ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مربوط به منع شمول مرور زمان نسبت به برخی از جرایم است. ادامه‌ی ماده، در مقام بیان جرایمی که مشمول مرور زمان نخواهند شد، به جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره‌ی ماده‌ی ۳۶ قانون مجازات اسلامی با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده، اشاره می‌کند که بیش از یک میلیارد ریال است. عناوین مجرمانه که در تبصره ماده‌ی ۳۶ احصاء شده است و مطابق بند ب ماده ۱۰۹ جرایم اقتصادی شناخته می‌شوند، عبارت هستند از: رشاء و ارتشاء، اختلاس، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، مداخله وزرا، نمایندگان مجلس، کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، تبانی در معاملات دولتی،

أخذ پورسانت در معاملات خارجی، تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت، جرایم گمرکی، قاچاق کالا و ارز، جرایم مالیاتی، پولشویی، اخلال در نظام اقتصادی کشور و تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی.

چند نکته در روش تبیین جرم اقتصادی در ماده‌ی مذکور، شایان توجه است؛ قانون از تعریف کلی جرم اقتصادی، اجتناب کرده و از روش تبیین مصداقی، همانند روش شورای اروپا استفاده کرده است. این روش قبل از قانون مذکور، در بخشنامه‌ی رئیس قوه‌ی قضاییه، در خصوص جرایم کلان اقتصادی نیز به کار گرفته شده بود. بررسی این دو مقرر، نشان می‌دهد که مصداق آن‌ها انطباق کامل ندارند. شکل نگارش ماده، به صورتی است که این مصداق، حصری است و مانع اطلاق عنوان جرم اقتصادی به سایر جرایم می‌شود؛ از این رو، سایر رفتارهای مخمل نظم اقتصادی، در صورتی که یکی از مصداق جرایم مذکور نباشد، به هر اندازه که اهمیت داشته باشند، عنوان جرم اقتصادی ندارند و مشمول تشدیدهای مذکور در قانون جدید مجازات اسلامی نخواهند بود (حسنی و مهرا، ۱۳۹۴، ۵۵).

۳-۱. جرم اقتصادی از منظر بین المللی

در سطح بین المللی، تلاش‌هایی در جهت تدوین اسناد و موافقتنامه‌هایی در خصوص جرایم اقتصادی انجام شده است. کنوانسیون مریدا یا کنوانسیون جهانی مبارزه علیه فساد، اولین سند معتبر بین المللی و دارای ضمانت اجرا، در خصوص پیشگیری از فساد، گامی بلند برای رسیدن به حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری تلقی می‌شود. این کنوانسیون، رهیافتی عام ارایه می‌کند، تا تمامی کشورها با استفاده از آن، مبارزه با فساد را انتظام بخشیده و بتوانند با یکدیگر برای این منظور همکاری‌های لازم را داشته باشند (Lui, 1986, 126).

گروه ولسبورگ، از ارتباط یازده بانک جهانی، با هدف توسعه استانداردهای خدمات مالی صنعت، تشکیل شده است. این گروه، در مقابله با پولشویی و مبارزه با سیاست‌های تامین مالی تروریستی است (Wolfsburg, 2006, 13).

کنوانسیون ملل متحد برای مقابله با جرایم سازمان یافته فراملی موسوم به «کنوانسیون پالمو» نیز به موضوعاتی مانند: جرم انگاری مشارکت در یک گروه مجرم سازمان یافته، جرم انگاری شستشوی عواید حاصل از جرم، تدابیر لازم جهت مبارزه با پولشویی، جرم انگاری فساد، استرداد مجرمین، معاضدت‌های حقوقی متقابل و جرم انگاری ممانعت از اجرای عدالت می‌پردازد.

علاوه بر کنوانسیون‌های بین المللی، در بسیاری از کشورها به منظور کشف و پیگیری و مبارزه با فساد اداری، ادارات جداگانه و اکثراً مستقلی ایجاد شده‌اند. همچنین کنوانسیون مقابله با جرم سازمان یافته در مواد ۸ (تحت عنوان جرم انگاری فساد) و ۹ (تدابیر علیه فساد) خود، با وضع مقررات کلی به

موضوع فساد مالی پرداخته است. موضوعی که بعداً در کنوانسیون مربوطه (کنوانسیون مبارزه با فساد) در قالب ۷۱ ماده تصویب شد (Ostrerfeld, 2006, 13).

۲. مستند قانونی جرم اخلال در نظام اقتصادی در حقوق ایران

مجلس شورای اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۲۸ قانونی تحت عنوان: «قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور» به تصویب رساند. این قانون، در دو ماده تنظیم شد. در ماده‌ی یک این قانون، مصادیق اخلال در نظام اقتصادی کشور، تعیین و برای آن‌ها مجازات در نظر گرفته شده است.

اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه تقلبی یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده‌ی آن‌ها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن، اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران‌فروشی کلان‌ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده‌ی ارزاق یا نیازمندی‌های مزبور و پیش‌خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آن‌ها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه‌ی آن‌ها، اخلال در نظام تولیدی کشور از طریق سوء استفاده عمده از فروش غیر مجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد یا تخلف از تعهدات مربوط در مورد آن و یا رشاء و ارتشاء عمده در امر تولید یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اختلال در سیاست‌های تولیدی کشور شود و امثال آن‌ها، خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروت‌های ملی، اگرچه به خارج کردن آن نینجامد، وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن، اقدام بانندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی کشور، تأسیس، قبول نمایندگی و عضوگیری در بنگاه، مؤسسه، شرکت یا گروه، به منظور کسب درآمد ناشی از افزایش اعضاء به نحوی که اعضاء جدید جهت کسب منفعت، افراد دیگری را جذب نموده و توسعه زنجیره یا شبکه انسانی تداوم یابد (الحاقی ۱۳۸۴/۱۰/۱۴).

در ماده ۲ این قانون نیز آمده است: هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور، چنانچه در حد فساد فی الارض باشد، مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود.

همان‌طور که ذکر گردید، چنانچه ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در ماده یک قانون فوق‌الذکر، با هدف اخلال در نظام اقتصادی کشور انجام گیرد و یکی از قصدها، ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا مقابله با آن باشد و یا عالم به تأثیر اقدامات در مقابله با نظام باشد و به تشخیص محکمه اقدامات آنان موجب فساد فی الارض باشد، مجازاتی در حد اعدام خواهد داشت. همچنین، ضبط اموالی که از طریق خلاف قانون، تحصیل شده است، از باب جزای مالی در حکم نیز لحاظ خواهد شد.

ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز درباره کسانی که اقدام به فعالیت اقتصادی مجرمانه می‌کنند، حکم مفسد فی الارض را با شرایط خاصی، پیش بینی کرده است. طبق این ماده، هرکس به طور گسترده، مرتکب اخلال در نظام اقتصادی کشور و یا معاونت در آن‌ها گردد، به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی، یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد، یا اموال عمومی و خصوصی، در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم است.

۱-۲. ایرادات و ابهامات قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور

ذکر عبارات، عناوین و اصطلاحات کلی و مبهم در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی که مهمترین قانون در این زمینه است، بدون ارایه معنی و مفهوم و حدود آن که در بسیاری از موارد باعث تفسیرهای وسیع و سلیقه‌ای قضات می‌شود، از مشکلات قانون نویسی در کشور است؛ برای نمونه، در بند (الف) ماده ۱ قانون مزبور، قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه، قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع کردن عمده آن‌ها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن‌ها جرم انگاری شده است. در این بند، قانونگذار، به ذکر عبارات و اصطلاحاتی کلی پرداخته است؛ بدون اینکه متعرض معنی و مفهوم و حدود آن شود؛ برای مثال، مفهوم و حدود اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور در قانون مشخص نیست. همچنین نسبت به قاچاق عمده، هیچ گونه تعریف و معیاری بیان نشده است و ملاکی برای تشخیص عمده از غیر عمده وجود ندارد.

همچنین بند (ب) ماده ۱ نیز سرشار از عبارات مبهمی است که تعریف و حدود و شرایط تحقق آن‌ها معلوم نیست؛ مانند: اخلال، کلان، و بند (ج) ماده ۱ نیز مربوط به اخلالگران در نظام تولیدی کشور است که عنوانی کلی و مبهم است. در این بند، فروش غیرمجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه که از مصادیق مجرمانه‌ی اخلال در نظام تولیدی شناخته شده است، هر نوع کالا حجم وسیعی از اقلام مختلف را در بر می‌گیرد و با توجه به اینکه قانونگذار، مثال و نمونه‌ای برای آن‌ها ارائه نکرده است، ممکن است موجب تفسیر وسیع قرار گیرد (ساک، ۱۳۹۱، ۳۹۳).

قانونگذار، در بند « و » ماده ۱ قانون مذکور، اقدام بانندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی را با عباراتی مبهم و قابل تفسیرهای وسیع و گسترده، جرم شناخته است که می‌تواند دامنه‌ی شمول فراوانی داشته باشد. همچنین، مشخص نیست که چرا قانونگذار، متعرض اقدام بانندی در سایر بندهای این قانون نشده است و مشخص نیست اگر اقدامات این بند، به غیر از طریق بانندی صورت گیرد، مشمول چه قانونی است (ساک، ۱۳۹۱، ۶۵).

به کار بردن واژه‌هایی نظیر: «عمده»، «کلان» و «فراوان» در متن بندهای ماده یک قانون مذکور نیز کاملاً مبهم است؛ به طور مثال، منظور از قاچاق عمده ارز یا گران‌فروشی کلان ارزاق یا جعل عمده

اسکناس، احتکار عمده، معلوم نیست باید به چه میزان و مقداری باشد تا جرم اخلال در نظام اقتصادی محقق گردد.

ابهام بعدی در خصوص آوردن عبارت: « و امثال آن‌ها » بعد از ذکر مصادیق مجرمانه در انتهای بندهای الف، ب و ج ماده یک قانون مجازات اخلالگران اقتصادی می‌باشد. با توجه به اینکه جرایم موضوع قانون مذکور، از جرایم مهم و دارای مجازات‌های سنگین است؛ لذا به کار بردن عبارت: « و امثال آن‌ها » در پایان مصادیق مجرمانه اخلال در نظام اقتصادی در بندهای الف، ب و ج، مخالف صریح اصول و قواعد حاکم بر حقوق جزا، از جمله اصل قانونی بودن جرم و مجازات می‌باشد.

۳. سیاست جنایی قضایی ایران در ارتباط با جرم اخلال در نظام اقتصادی

مستفاد از اصل ۸۵ و بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضاییه فاقد صلاحیت قانونگذاری است و نمی‌تواند اقدام به قانون گذاری کند؛ لیکن برای انجام امور داخلی خود می‌تواند بخشنامه یا دستورالعملی در راستای انجام وظایف قانونی محوله و در قالب قوانین مصوب مجلس تدوین کند. این موارد، هیچ‌گاه نباید صفت قانون به خود گرفته و یا حتی از آن عدول کند (نورزاد، ۱۳۸۹، ۲۴۸)؛ با این حال، تجربه‌ی عملی، نشان می‌دهد که این قوه نیز در مقابله با جرایم اقتصادی، دست به اقداماتی زده است که در قانون، پیش بینی نشده است.

صدر دو دستورالعمل، یکی، به تاریخ ۱۳۹۷/۵/۲۰ و دیگری، به تاریخ ۱۳۹۸/۵/۱۳ برای رسیدگی به جرایم مخل نظام اقتصادی کشور و بنیان گذاشتن شعب تخصصی با نام مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی و تصویب آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم اخلالگران اقتصادی در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۲۸ از سیاست گذاری‌های قوه قضاییه است که در خلاء قانون و در تأیید موارد فوق، صورت گرفته است؛ لیکن دادن عنوان دستورالعمل برای رسیدگی به جرایم اخلالگران اقتصادی که نوعی نگارش آیین دادرسی است، در صلاحیت قانونگذار است؛ در حالی که این اقدامات، بدون توجه به جایگاه قانونگذاری، تصویب، ابلاغ و به اجراء گذاشته شده است.

از جمله ایرادهایی که می‌توان به رویه قضایی در برخورد با پرونده‌های متهمان به ارتکاب جرم اخلال در نظام اقتصادی، وارد دانست، نداشتن تعریف دقیق و حقوقی از مفهوم «اخلال» است. همچنین، در احراز سوء نیت و عنصر معنوی مرتکبان، اختلاف نظر جدی وجود دارد. در بررسی برخی از آرای صادره به نظر می‌آید اطلاق جرم اخلال در نظام اقتصادی، بدون دقت کافی صورت گرفته است.

در ادامه، به برخی از چالش‌های سیاست جنایی قضایی در رسیدگی به پرونده‌های مخل نظام اقتصادی به همراه تحلیل آراء مذکور پرداخته می‌شود:

۱-۳. چالش محاکم در احراز شرایط قانونی در تحقق جرایم اقتصادی

در پرونده‌های مختلف، رویه محاکم در احراز شرایط از جمله اخلال عمدۀ در نظام اقتصادی و قصد مقابله با نظام و ضربه زدن به آن یکسان نبوده و سرنوشت پرونده تا حدودی تابع سلیقه مراجع رسیدگی کننده و تأثیر فضای روانی جامعه بر دادرس بوده است. شرح مختصری از چند نمونه از مهم‌ترین پرونده‌های مخمل نظام اقتصادی که در سال‌های اخیر رسیدگی و اطلاع رسانی شده است نقل می‌گردد:

پرونده اتهامی آقای وحید مظلومان و تعدادی از هم‌دستان وی به اتهام قاچاق ارز در سال ۱۳۹۷ منجر به صدور حکم محکومیت نامبرده و سایر متهمان به جرم افساد فی الارض از طریق سردستگی و تشکیل شبکه افساد و اخلال در نظام اقتصادی، ارزی و پولی کشور با انجام معاملات غیرقانونی و غیرمجاز ارز و قاچاق عمدۀ ارز از کشور در حد کلان گردید، دادگاه با اعتقاد به اینکه مجموع رفتار ارتكابی نامبردگان (متهم ردیف اول و دوم) موجب اخلال گسترده در نظام اقتصادی کشور شده است؛ آنان را مفسد فی الارض دانسته و حکم به اعدام آنان و ضبط اموال ناشی از ارتكاب جرم توسط اجرای احکام صادر نموده است. وکلای متهمان در مقام دفاع استدلال می‌کردند که «قصد متهمان تنها سودجویی بوده و قصد مقابله با نظام یا ضربه زدن به آن را نداشته‌اند». این استدلال، مورد پذیرش دیوان عالی کشور قرار نگرفت و شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور در پاسخ، اظهار کرده است در تبصره ذیل ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی که قانون حاکم بر عمل متهمان است، قصد مقابله با نظام یا ضربه زدن به آن تصریح نشده و صرفاً به قصد اخلال در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمدۀ یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع با علم به موثر بودن اقدامات انجام شده (در اخلال گسترده) تصریح شده است. آنچه از رای دیوان عالی کشور می‌توان برداشت کرد؛ این است که برای اینکه شخصی به اخلال در نظام اقتصادی کشور و به تبع آن به افساد فی الارض محکوم شود، ضرورتی ندارد که مرتکب، قصد مقابله با نظام یا ضربه زدن به آن را داشته باشد، بلکه کافی است قصد اخلال گسترده در نظم عمومی یا حتی علم به این موضوع در نتیجه اعمال ارتكابی اثبات شود. در دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۲۵۶۰۰۳۲۴ تاریخ ۱۳۹۷/۷/۲۹ شعبه مزبور آمده است :

«.....با توجه به دامنه وسیع اقدامات متهمین و ایادی و عوامل آنها و سایر اوضاع و احوال موجود، نمی‌توان قصد متهمین را صرفاً سودجویی تلقی کرد و قصد اخلال گسترده در نظام اقتصادی کشور را مفقود دانست و حداقل این که متهمان، آگاه به آثار سوء اقدامات خود در اقتصاد جامعه و شمول ذیل تبصره فوق می‌باشند....» (سایت خبرگزاری فارس تاریخ بازدید ۱۳۹۸/۸/۹).

در پرونده دیگری، مدیر یک موسسه مالی و اعتباری، به شرکت در اخلال در نظام اقتصادی کشور به نحو عمدۀ بدون قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران مجرم شناخته شد و مجازات حبس برای وی در نظر گرفته شد! در عبارت پایانی رأی نیز قید شده که «.... بزه انتسابی مبنی بر اخلال در نظام اقتصادی کشور به نحو عمدۀ بدون قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا مقابله با آن

به نحو مباشرت از نظر هیئت قضایی محرز و مسلم است.....». بر این اساس روشن است که دو دادگاه در رابطه با قوانین یاد شده آرای مختلفی صادر کرده‌اند و یکی قصد مقابله با نظام را در خصوص اخلال و افساد موثر دانسته است؛ اما دیگری چنین نظری ندارد (روزنامه شرق ۱۷/۱۰/۱۳۹۷).

یکی دیگر از پرونده‌هایی که در مقابله با فساد اقتصادی در سال‌های اخیر در دستگاه قضایی تشکیل شد، پرونده رسیدگی به اتهام‌های متعدد بابک زنجانی بود. بازرگانی که در زمینه دور زدن تحریم‌های اقتصادی کشور فعالیت می‌کرد. رسیدگی به این پرونده در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران منتهی به صدور رأی بر محکومیت وی به اعدام گردید. حسب محتویات پرونده این شخص در اقدامات خود مبالغه‌هنگفتی از بیت‌المال را از کشور خارج و در حساب‌های خود در کشورهای تاجیکستان و برخی کشورهای اروپایی واریز کرده بود. علاوه بر این، بابک زنجانی در حوزه‌های مختلف نیز در نظام اقتصادی کشور اخلال ایجاد کرده بود. طبق کیفرخواست صادره از سوی دادسرای عمومی و انقلاب تهران، اتهامات بابک زنجانی شامل: افساد فی‌الارض از طریق اخلال در نظام اقتصادی کشور، کلاهبرداری از شرکت ملی نفت، بانک مسکن و سازمان تأمین اجتماعی، پولشویی، جعل ۲۴ فقره اسناد بانکی و صورت حساب‌های بانکی، جعل حواله‌های ارزی و جعل دستور انتقال بین بانک‌ها بود. رأی دادگاه بدوی در دیوان عالی کشور تأیید شد. در این پرونده نیز بدون اینکه قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا قصد مقابله با آن یا علم متهم به موثر بودن اقدام خود در مقابله با نظام احراز گردد، متهم مذکور به اعدام محکوم گردید. این امر در حالی است که حسب ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی، برای محکوم کردن مرتکب جرم اخلال در نظام اقتصادی به مجازات اعدام، باید قصد او در ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا قصد مقابله با آن یا علم به موثر بودن آن احراز گردد (سایت روزنامه انتخاب ۱۴/۱/۱۳۹۵).

در پرونده دیگری مشهور به پرونده سه هزار میلیارد تومانی، شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی تهران در دادنامه شماره ۱۱۰ ش د ۹۱،۱ مورخ ۱۰ مرداد ماه سال ۱۳۹۱، در رسیدگی به اتهام افساد فی‌الارض از طریق اخلال در نظام اقتصادی کشور با تبانی و فساد در شبکه بانکی کشور و توسل به روش‌های متقلبانه و اضرار به نظام و مشارکت در کلاهبرداری کلان و تحصیل مال از طریق نامشروع، با احراز ارتکاب جرایم «افساد فی‌الارض، شرکت در پولشویی، جعل و استفاده از اسناد مجعول، برای متهمان ردیف یکم تا چهارم پرونده حکم اعدام صادر کرد. دادنامه مذکور در بخش دیگری استدلال کرده است: «...دخالت تام متهمان ردیف اول تا چهارم در گشایش یکصد و سی و شش فقره ال سی و پذیرش آن از سوی متهمان و علم آن‌ها به اینکه ال سی‌ها عمدتاً صوری و غیر واقعی است و در مقابل آن‌ها کالایی مبادله نمی‌شود و موجب خالی شدن بانک‌ها و اخلال در نظام اقتصادی کشور می‌باشد و انطباق بر قسمت اول ماده یک قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور دارد...» (برگ ۱۰۱ دادنامه).

صدور چنین رأیی در حالی است که؛ اقدام به گشایش اینگونه اعتبارات اسنادی ربالی که طبق ضوابط موجود در هنگام گشایش آن‌ها انجام شده، از نظر قوانین مربوطه جرم نبوده‌اند تا مشمول موارد مذکور در قانون مجازات اخلاصگران قرارگیرند. خالی کردن بانک‌ها نیز اتهامی است که مستندی برای آن وجود ندارد و خلاف واقع است (کاشانی، ۱۳۹۳، ۶).

همچنین، شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور برای تایید حکم دادگاه انقلاب از جهت انطباق اعمال متهمان ردیف یکم تا چهارم با بندهای الف و ج ماده یک قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور به این استدلال شگفت‌انگیز متوسل شده است: «..... در بند الف و ج ماده یک قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور عبارت « و امثال آنها » به کار گرفته شده که البته در آخر هر بند ذکر شده و کلمه اخلاص هم در صدر هر بند ذکر شده که مبین آن است که آنچه داخل هر بند از این طریق بیان شده تمثیلی می باشد. یعنی اخلاص در نظام پولی و ارزی کشور منحصر به قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی نیست و در غیر این موارد هم ممکن است مصداق پیدا نماید....»

استدلال شعبه دیوان عالی کشور ناشی از اشکالی بوده که در قانون مجازات اخلاصگران نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ وجود داشته لذا در یک قانون کیفری که در مقام تعیین بزه‌ها و کیفرهاست بکار بردن اصطلاحاتی چون « و امثال آنها » برخلاف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست که در اصول ۳۶، ۳۷ و ۱۶۹ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قواعد به رسمیت شناخته شده جهانی مورد تاکید قرار گرفته‌اند و نشان دهنده بی‌اعتنایی تدوین‌کنندگان این قانون به اصول قانون اساسی و یا ناآگاهی آنان از این اصل مسلم حقوق کیفری است که ارتباط تنگاتنگ با حقوق و آزادیهای شهروندان کشور دارد (کاشانی، ۱۳۹۳، ۱۰).

۲-۳. تفسیر موسع رویه قضایی از اخلاص در نظام اقتصادی
هم چنان که ارتکاب جرایم اقتصادی می تواند امنیت اقتصادی کشور را سلب کند، تصویب برخی از قوانین، به خصوص در حوزه جرم‌انگاری نیز می تواند موجب سلب امنیت قضایی شهروندان گردد. در پرونده‌ای که ۱۷ نفر از اشخاص به عنوان شاکی از شخصی به نام جعفر حاجی خانی به عنوان مدیر عامل شرکت بازرگانی ایثار، شکایت و مدعی بودند هر یک مبالغی (جمعاً به مبلغ ۱،۷۶۳،۵۲۵،۰۰۰ ریال) داده‌اند تا در قبال آن ماهیانه سودی به آنان پرداخت شود. مشتکی عنه نیز در قبال دریافت وجوه یاد شده چندین فقره چک بابت اصل مبالغ دریافتی از شکات به آنان تحویل داده است. متهم مذکور علیرغم وعده‌هایی که داده بود نه تنها هیچ سودی به شکات پرداخت نکرده، بلکه از استرداد اصل وجوه نیز خودداری نموده و چک‌های تحویلی ایشان به شکات نیز تماماً به علت نداشتن موجودی برگشت خورده است. رسیدگی به این پرونده در شعبه ۱۱۹۱ دادگاه عمومی جزایی تهران مستقر در مجتمع

اقتصادی تهران انجام و منتهی به صدور دادنامه شماره ۷۸ در تاریخ ۱۳۸۶/۹/۱۲ گردید.^۷ در این رأی، شعبه مزبور اعمال متهم را مشمول بند (ه) ماده یک قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ تشخیص و مشارالیه را به اتهام حیف و میل اموال شکات و با رعایت ماده ۲ قانون مرقوم، به تحمل پنج سال حبس تعزیری و پرداخت مبلغ ۱،۷۶۳،۵۲۵،۰۰۰ ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم می‌کند. این در حالی است که دادگاه می‌توانست اقدام مرتکب را با ماده ۵۹۵ یا ذیل ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری که مجازات خیلی کمتری برای مرتکب پیش بینی شده است، تطبیق دهد و مسلماً چنانچه دادگاه دیگری همین پرونده یا پرونده مشابهی را به استناد مواد ذکر شده رأی صادر کند ایرادی بر تصمیم دادگاه نیست که از نظر اصول حقوقی مقرون به صحت است.

از طرفی در پرونده دیگری به موجب دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۹۷۲۱۳۰۱۰۰۰۲۵ مورخه ۱۳۸۹/۱۰/۵ شعبه ۱۱۹۱ دادگاه عمومی جزایی مجتمع قضایی امور اقتصادی تهران، سه نفر از کارمندان گمرگ فرودگاه مهرآباد تهران به استناد بند ه ماده یک قانون مجازات اخلال در نظام اقتصادی کشور به اتهام اقدام باندی در جهت اخلال در نظام صادراتی کشور، اخذ رشوه های کلان، جعل پیمان ارزی و استفاده از آن بدو از سوی شعبه ۱۸۰ دادگاه عمومی جزایی تهران به اعدام، مصادره اموال، شلاق و جزای نقدی محکوم شدند. شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور نیز رأی دادگاه بدوی را تایید کرد. در نتیجه اعتراض وکلای محکومان از طریق اداره نظارت قوه قضائیه با اعمال ماده ۲ اختیارات رئیس قوه قضائیه پرونده در شعبه ۴۰ دیوان عالی کشور مورد رسیدگی و این شعبه رأی را نقض و برای رسیدگی مجدد پرونده را به شعبه هم عرض دادگاه صادر کننده رأی ارجاع می‌دهد. در نهایت شعبه ۱۱۹۱ دادگاه عمومی تهران به عنوان شعبه هم عرض، احکام محکومیت سابق (اعدام محکومان) را نقض و هریک را به ۱۳ سال حبس وفق بند «و» از ماده ۱ قانون اخلال و ماده ۲ آن محکوم و بعضی از اموال را نیز از شمول مصادره خارج کرده است.^۸ نقد این رأی باید گفت اقدام متهمان فوق به هیچ وجه منجر به اخلال در نظام اقتصادی کشور نبوده اگرچه متهمین با هماهنگی و به صورت باندی مرتکب جرم شدند لکن هریک از آنان صرفاً به قصد و انگیزه مالی اقدام به اخذ رشوه، جعل و غیره نموده بودند. بنابراین موضوع منطبق با قانون مجازات اخلال در نظام اقتصادی نبوده است. در این پرونده نیز مشخص نیست قصد اخلال در نظام اقتصادی و نتیجه ای که منجر به محکومیتی مانند اعدام می‌شود چیست؟ و آیا جرم اخلال در نظام اقتصادی مقید است یا مطلق؟ که این موضوع در قانون مذکور مشخص نشده است. به نظر می‌رسد، عدم تعریفی دقیق

^۷ رونوشت این دادنامه از شعبه ۱۱۹۱ دادگاه عمومی جزایی تهران مستقر در مجتمع قضایی امور اقتصادی تهران اخذ گردید.

^۸ رونوشت این دادنامه از شعبه ۱۱۹۱ دادگاه عمومی جزایی تهران مستقر در مجتمع قضایی امور اقتصادی تهران اخذ گردید.

از واژه اخلال در قانون مجازات اخلالگران اقتصادی موجب چنین برداشت‌های متفاوت و نهایتاً تفاسیر موسع از سوی مراجع رسیدگی کننده گردیده است (خبرگزاری فارس ۹۷/۶/۱۵).

۳-۳. عدم تمایل رویه قضایی در صدور حکم اعدام برای مرتکبین جرایم اقتصادی

با وجود اینکه قانونگذار به منظور بازدارندگی در جرم انگاری جرم اخلال در نظام اقتصادی، شدیدترین مجازات (اعدام) را در نظر گرفته است، اما رویه قضایی ضمن اینکه باید پذیرفت در مواردی تحت تأثیر فضای رسانه‌ای و عوام‌گرایی قرار داشته اند، تمایل چندانی در صدور حکم اعدام برای مرتکبین جرایم اقتصادی از خود نشان نداده‌اند. علاوه بر مواردی که ذکر آن گذشت، می‌توان نمونه‌های دیگری از رویه قضایی بیان داشت از جمله؛ در پرونده رسیدگی به اتهامات هیئت مدیره بانک سرمایه که منتهی به صدور دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۸۰۷۳۰۲۱ در مورخ ۹۷/۱۲/۲۶ از شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی شد، اتهام آقایان: ۱- علی بخشایش فرزند روح اله مدیرعامل و عضو هیئت مدیره وقت بانک سرمایه دائر بر اخلال در نظام پولی کشور از طریق مشارکت در خیانت در امانت چهل و شش (۴۶) فقره تسهیلات بانکی مجموعاً به مبلغ ۲۹,۳۵۴,۸۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و ۲- پرویز کاظمی فرزند درویش عضو هیئت مدیره وقت بانک سرمایه دائر بر اخلال در نظام پولی کشور از طریق مشارکت در خیانت در امانت چهل و یک (۴۱) فقره تسهیلات بانکی مجموعاً به مبلغ ۲۴,۸۸۳,۳۳۹,۰۰۰,۰۰۰ ریال و ۳- محمدرضا توسلی فرزند غلامرضا عضو هیئت مدیره وقت بانک سرمایه دائر بر اخلال در نظام پولی کشور از طریق مشارکت در خیانت در امانت چهل (۴۰) فقره تسهیلات بانکی مجموعاً به مبلغ ۲۵,۰۱۲,۶۱۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال محرز و مسلم تشخیص و مستنداً به ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و تبصره یک ماده ۲۳ و ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بند «الف» ماده ۱ و تبصره ۱ ذیل آن و قسمت اخیر ماده ۲ و تبصره های ۲ و ۴ و ۶ ذیل آن از قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با الحاقات و اصلاحات بعدی و مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ و ماده ۹۱ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ و... هر یک از متهمین آقایان علی بخشایش و پرویز کاظمی و محمدرضا توسلی را به تحمل بیست سال حبس تعزیری و تحمل هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری در انظار عمومی و محرومیت دائم از هرگونه خدمات دولتی (استخدام در مشاغل دولتی) محکوم گردیدند (خبرگزاری میزان ۹۸/۱/۲۶).

در این پرونده نیز، قاضی به قسمت اخیر ماده ۲ و تبصره های ۲ و ۴ و ۶ ذیل آن از قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با الحاقات بعدی آن و سایر قوانین استناد کرده و آنان را مفسد فی الارض شناخته است. در پرونده دیگری که با نام پرونده کیمیا خودرو اسپرلوس شناخته می شود، بر اساس کیفرخواست اتهام متهمین عبارت بود از: انجام عملیات واسپاری بدون مجوز، مشارکت در کلاهبرداری شبکه ای به مبلغ ۱۱۷,۰۰۹,۱۳۸,۰۰۰ ریال و پولشویی و ... دادگاه بزهکاری

متهمان را در حد مشارکت و معاونت در کلاهبرداری شبکه‌ای محرز و مسلم دانسته و مستنداً به ماده یک و چهار و تبصره یک ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری و مواد ۱۲۶ و بند الف ماده ۱۲۷ و ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات متهم ردیف اول را در خصوص اتهام مشارکت در کلاهبرداری شبکه‌ای به تحمل ۲۵ سال حبس و استرداد کلیه اموال منقول و غیر منقول که کسب کرده و رد آن به شکات و جزای نقدی معادل مجموع اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی، و متهم ردیف دوم را در مورد اتهام مشارکت در کلاهبرداری شبکه‌ای به تحمل ۱۵ سال حبس و استرداد کلیه اموال منقول و غیر منقول و... محکوم کرده است و در دادنامه آورده است که حکم صادره در مورد ردیف های یک تا هشت حضوری و به استناد ماده ۱۰ استجازه از مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۹۷/۵/۲۰ و ماده ۲۸ آیین نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرائم اخلاف در نظام اقتصادی کشور مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۳ قطعی است (باشگاه خبرنگاران جوان ۱۳۹۸/۵/۱۲). با وجودی که رسیدگی به این پرونده در یکی از شعب دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اخلافگران اقتصادی صورت گرفته بود، در رأی صادره به قانون مجازات اخلافگران در نظام اقتصادی کشور استناد نشده است و تنها به آیین نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم اخلافگران در نظام اقتصادی آن هم جهت قطعی شناختن رأی استناد کرده است. در حالی که در پرونده های مشابه، برخی از محاکم، این دسته از جرایم را از مصادیق اخلاف در نظام اقتصادی تلقی و مطابق این قانون مجازات تعیین کرده اند.

یکی دیگر از پرونده هایی که جهت رسیدگی به جرایم ارتكابی تعدادی از فعالان اقتصادی در دادگاه انقلاب اسلامی تهران ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی ارجاع و منتهی به محکومیت آنان گردید، مربوط به اتهامات شخصی به نام حسین هدایتی و ۱۲ نفر دیگر بوده است. عناوین اتهامی عبارت بودند از: ۱- مشارکت در اخلاف عمده در نظام اقتصادی (پولی) از مجرای تحصیل وجوه کلان از شبکه های بانکی از طریق نامشروع به مبلغ ۵,۸۶۹,۳۹۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال ۲- پنج فقره خیانت در امانت به مبلغ ۴,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ از طریق دریافت تسهیلات در قالب مشارکت مدنی و مصرف تسهیلات در غیر از محل تعیین شده. ۳- پولشویی به مبلغ ۵,۸۶۹,۳۹۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال از طریق تحصیل و اخذ تسهیلات با منشا مجرمانه به نام شرکت های پوششی و تملک و اداره غیر مستقیم شرکت های مذکور بدون عضویت شرکت ها. اتهام سایر متهمان نیز معاونت در اخلاف در نظام اقتصادی کشور و معاونت در تحصیل مال از طریق نامشروع بوده است. لازم به یادآوری است که تحقیقات مقدماتی در دادسرای عمومی و انقلاب (دادسرای جرایم پولی و بانکی) به عمل آمده و پرونده با کیفرخواست صادره جهت رسیدگی به شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی تهران (شعبه ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی) ارجاع گردید (مشرق نیوز ۱۳۹۸/۳/۸).

وکلای مدافع بدواً به صلاحیت ذاتی دادگاه رسیدگی کننده (شعبه ۳ دادگاه انقلاب اسلامی ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی تهران) ایراد نموده اند عمده ایرادات وکلای متهمان در این خصوص به این شرح می باشند: «..با استناد به رأی وحدت رویه شماره ۷۰۴ مورخه ۸۶/۷/۲۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور، رسیدگی به جرایم مذکور در بندهای مختلف ماده یک قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور در صورتی که طبق ماده ۲ این قانون به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور باشد در صلاحیت دادگاه انقلاب می باشد و از آنجائیکه متهمین این پرونده، جرائم انتسابی را حسب کیفر خواست صادره بدون قصد مذکور مرتکب گردیده‌اند، لذا رسیدگی به اتهامات مذکور در صلاحیت محاکم عمومی کیفری خواهد بود و دادگاه انقلاب اسلامی صلاحیت رسیدگی به اتهامات متهمان مذکور را ندارد...»

دادگاه رسیدگی کننده این ایراد را وارد ندانسته و بطور خلاصه چنین استدلال نموده است: «محاکم ویژه رسیدگی به جرایم اخلاالگران و مفسدان اقتصادی که در پی ضرورت مصالح اقتصادی کشور با پیشنهاد ریاست محترم وقت قوه قضائیه و موافقت مقام معظم رهبری به خاطر ضرورت و هدف خاص در محدوده زمانی و مکانی جهت رسیدگی به جرایم موضوع قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی تشکیل شده را باید از محاکم اختصاصی دانست که بنا به حکم حکومتی و ولایی رهبری که در قانون اساسی نیز نهادینه شده است تشکیل یافته است و از صلاحیت ذاتی و محلی و نسبی و کشوری در رسیدگی به جرایم اخلاالگران و مفسدان اقتصادی برخوردار هستند و هر آنچه مشمول قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و با اصلاحات بعدی می گردد در صلاحیت این دادگاهها قرار داده شده است... بدین لحاظ طبق بند یکم استجازه مورخه ۹۷/۵/۲۰ و مواد ۲ و ۱ آیین نامه اجرایی مصوب ۱۳۹۷ این محاکم صلاحیت رسیدگی به تمامی جرایم مندرج در قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ را در فروع مختلف که در صلاحیت محاکم کیفری دو و یک و انقلاب اسلامی است دارا می باشند...»

ایراد دادگاه مذکور صحیح نمی باشد زیرا: اولاً، تاریخ وقوع جرایم انتسابی متهمان مذکور مقدم بر استجازه فوق می باشد بدین سبب دادگاههای ویژه رسیدگی به جرایم اخلاالگران و مفسدان اقتصادی صرفاً صلاحیت رسیدگی به پرونده هایی در زمینه اخلاال در نظام اقتصادی کشور را دارند که تاریخ وقوع آنها مؤخر بر استجازه مذکور باشد.

ثانیاً، آرای وحدت رویه از هیئت عمومی دیوانعالی کشور در حکم قانون هستند و صرفاً به موجب قانون لغو یا منسوخ می شوند بنابراین آئین نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرائم اخلاالگران مصوب ۱۳۹۷ که در این دادنامه مورد استناد قرار گرفته است توانایی مقابله با آرای وحدت رویه هیئت عمومی

دیوان عالی کشور را نداشته و در صورت تعارض آیین نامه هر چند صدور آن مؤخر بر آرای مذکور باشد نمی‌تواند موجب نقض و یا نسخ آن آراء گردد.

ثالثاً، به استناد اصل ۱۷۰ قانون اساسی قضات دادگاهها از اجرای تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین باشند منع گردیده‌اند.

بنابراین به نظر می‌رسد استدلال دادگاه رسیدگی کننده که به موجب آیین نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرائم اخلاط‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۹۷ خود را صالح به رسیدگی به جرائم متهمان مذکور دانسته صحیح نبوده است.

در نهایت شعبه رسیدگی کننده، متهم ردیف اول آقای حسین هدایتی را به اتهام مشارکت در اخلاط عمده در نظام اقتصادی کشور از طریق اخلاط در نظام پولی و بانکی کشور از مجرای تحصیل وجوه کلان از شبکه بانکی از طریق نامشروع به مبلغ ۵,۸۶۹,۳۹۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال و ۸ فقره تحصیل مال از طریق نامشروع جمعاً به مبلغ ۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال منطبق با اتهام مشارکت در اخلاط در نظام اقتصادی (پولی) کشور به صورت عمده و کلان از طریق مشارکت در تحصیل مال در قالب تسهیلات بانکی از نوع مشارکت مدنی و ضمانت نامه بانکی به مبلغ ۵,۸۱۹,۳۹۵,۰۰۰,۰۰۰ با استناد به ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ و تبصره یک ماده ۲۳ و ۲۵ و ۱۲۶ و بند ۱ از ماده ۱۲۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ و بند الف ماده ۱ و تبصره ذیل آن و تبصره‌های ۲، ۴، ۶ ذیل آن از قانون مجازات اخلاط‌گران مصوب ۱۳۶۹ و مواد ۱۰، ۱۵ آیین نامه اجرایی مصوب ۱۳۹۷ به تحمل بیست سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی و تحمل ۷۴ ضربه شلاق تعزیری در انظار عمومی و محرومیت دائم از هرگونه خدمات دولتی و رد مبلغ ۴,۸۸۹,۳۹۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال و سایر متهمان را نیز به حبس تعزیری از ۵ تا ۱۵ سال و تحمل ۷۴ ضربه شلاق محکوم نمود و در خصوص سایر اتهامات (پولشویی، خیانت در امانت) قرار عدم صلاحیت به اعتبار و شایستگی دادگاه کیفری تهران صادر و اعلام نموده است. به نظر می‌رسد ایرادات زیر بر دادنامه وارد است:

الف) معیار و ضابطه دادگاه رسیدگی کننده در استفاده از واژه‌هایی همچون « اخلاط عمده » و « وجوه کلان » در دادنامه اصداری مشخص و معین نمی‌باشد به نظر می‌رسد این ایراد ناشی از عدم تعریف واژه‌های مذکور در قانون مجازات اخلاط‌گران مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد.

ب) صرف اخذ تسهیلات (وام و غیره) از بانک‌های مربوطه و عدم بازپرداخت آن در مواعد معین در قوانین کیفری ایران جرم محسوب نمی‌گردد. بنابراین دادنامه مذکور از این بابت که چنین رفتارهایی را مجرمانه فرض و برای آن مجازات تعیین نموده است دارای اشکال اساسی می‌باشد.

پ) پاره‌ای از رفتارهای متهمین مذکور به ویژه متهم ردیف اول، از جمله: گرفتن تسهیلات و تحصیل مال از طریق نامشروع از مصادیق تعدد معنوی جرم موضوع ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی بوده لکن

دادگاه آن را مصداق تعدد مادی دانسته و براین اساس مجازات شدیدتر تعیین نموده است. به عبارتی، دادگاه رسیدگی کننده عدم بازپرداخت تسهیلات بانکی مأخوذه از سوی متهمان را مصداق اخلال در نظام پولی دانسته در حالیکه در بخش دیگری از دادنامه، دریافت همین تسهیلات را مصداق تحصیل مال از طریق نامشروع دانسته است!

نتیجه گیری

یکی از مشکلاتی که در مبارزه با جرائم اخلال در نظام اقتصادی کشور ایران وجود دارد، ابهام در مفاهیم بکار رفته در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ است. به عنوان مثال یکی از ابهاماتی که در این قانون وجود دارد، مفهوم «اخلال» بوده که در هیچ قانونی تعریف نشده است. از آنجاکه عمده جرائم مندرج در این قانون مقید به نتیجه هستند و نتیجه مدنظر قانونگذار هم، «اخلال» در یکی از ارکان نظام اقتصادی، از جمله نظام پولی، ارزی، صادراتی و..... است، بنابراین وجود شبهه در مفهوم اخلال هم، از دیگر مواردی است که علی الاصول می تواند اثبات این جرم را منتفی سازد.

مسئله دیگر، تشتت در آرای محاکم کیفری در رسیدگی به جرم اخلال در نظام اقتصادی است که ناشی از تفسیرهای متفاوت رویه قضائی از قوانین جاری خصوصاً قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور و همچنین نوع دادگاههای رسیدگی کننده می باشد. رویه قضایی در چند دهه گذشته با توجه به قوانینی که تصویب شده است، برداشت های متفاوتی از نحوه برخورد با جرایم اقتصادی ارائه داشته اند. به علاوه نوع دادگاه رسیدگی کننده به جرائم مخل نظام اقتصادی (دادگاه عمومی کیفری یا دادگاه انقلاب) نیز در تعیین عنوان مجرمانه و تعیین مجازات مؤثر است. عموماً دادگاههای انقلاب برخورد شدیدتری با جرائم اقتصادی دارند.

بنابراین مهمترین چالش های موجود در سیاست جنایی قضایی ایران در مقابله با اخلال در نظام اقتصادی کشور: وجود ابهام و اجمال در واژه ها و عبارات مندرج در قانون مجازات اخلال در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ و همچنین نبود دادسرا و دادگاههای تخصصی در سطح استان های کشور جهت رسیدگی به اینگونه جرائم و خلاء قانونی مرتبط با کنوانسیون مریدا است. چون کنوانسیون مریدا تفاهم نامه بین المللی است و مفاد آن در داخل قابل اجرا نیست و لازم است قوانین متناسب کنوانسیون مریدا در کشور تصویب شود.

آسیبی که ممکن است از این جهت متوجه رویه قضایی گردد، این است که در موضوع پرونده های مشابه رویه قضایی در احراز نظر مقنن دچار سردرگمی شده و به قوانین مختلفی استناد کنند که ناشی از تعدد قوانین در موضوع واحد یا مشابه می باشد.

با توجه به مباحث مطروحه پیشنهاد می شود:

الف) با اعمال روش‌ها و تدابیری چون، جرم‌انگاری صحیح و رفع ابهامات و نارسایی های قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ و تأسیس دادسرا و دادگاههای تخصصی می‌توان تا اندازه‌ای کاستی‌های موجود در سیاست جنایی قضایی را در این حوزه برطرف نمود. قوانین غیرقابل اجرا و قوانینی که توسط مجمع و خارج از اختیارات و ضوابط قانونی تصویب شده اند نسخ و با قوانین به روز و مصوب مجلس جایگزین شود. در این زمینه لازم است تحول اساسی در برخورد با جرائم اخلاص در جرائم اقتصادی ایجاد شود و همان حساسیتی که دستگاه قضائی و نهادهای امنیتی نسبت به جرائم امنیتی دارند به جرائم اقتصادی نیز داشته باشند.

ب) شواهد و قراین حکایت از این دارد که تشدید و افزایش مجازاتها در قلمرو حقوق کیفری اقتصادی هرگز از رشد اینگونه جرایم جلوگیری نکرده است. بنابراین حذف مجازات اعدام از بزهکاران اقتصادی پیشنهاد می‌گردد و جایگزین آن، الزام به جبران خسارات وارده و پرداخت جزای مالی، می‌تواند مناسب ترین گزینه برای مجازات مرتکبین اینگونه جرایم باشد.

کتاب شناسی

۱. حسنی، جعفر، مهرا، نسرین، (۱۳۹۴)، « نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناختی، دوره دوم، شماره ۲ و ۳.
۲. خانی، علی، شیری، عباس، (۱۳۹۲)، « کاستی های جرم‌انگاری مفساد اقتصادی در سیاست کیفری ایران»، کارآگاه، سال ششم، شماره ۲۴.
۳. سلطانی‌فرد، حسین و همکاران، (۱۳۹۷)، « آیین دادرسی جرائم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل»، مجله مطالعات حقوقی، شماره ۲۹.
۴. شیرمحمدی، جلال، (۱۳۹۵)، « آسیب شناسی سیاست جنایی در ایران»، مطالعات علوم سیاسی، حقوق، فقه، دوره دوم، شماره ۳.
۵. عباسی، حمید، (۱۳۹۵)، « سیاست کیفری ایران نسبت به جرائم اقتصادی»، تحقیقات جدید در علوم انسانی، سال دوم، شماره ۴.
۶. کوشا، جعفر، دهقانی، محمدرضا، (۱۳۹۶)، « سیاست جنایی در جرائم اقتصادی»، دانش حقوق و مالیه، سال اول، شماره ۲.
۷. کاشانی، محمود، (۱۳۹۳)، « پیرامون رأی دیوان عالی درباره فسادبانکی»، تاریخ بازدید: ۱۳۹۸/۵/۵، <http://www.shafaf.ir>.
۸. گلی زاده، امین، (۱۳۹۶)، « بررسی سیاست جنایی کیفری ایران در برخورد با جرایم اقتصادی»، دومین کنفرانس ملی حقوق، الهیات و علوم سیاسی، شیراز، مرکز توسعه آموزشهای نوین ایران.
۹. گلریز، حسن، (۱۳۶۸)، فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی، انتشارات مرکز آموزش بانکداری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.

۱۰. مهدوی پور، اعظم، (۱۳۹۲)، « تعقیب و تحقیق جرائم اقتصادی؛ روشها و ویژگی ها »، علوم جنایی.
۱۱. میر سعیدی، منصور، زمانی، محمود (۱۳۹۲)، « جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟ »، حقوق کیفری، دوره دوم، شماره ۴.
۱۲. مجتهدی، یوسف، (۱۳۹۲)، نشریه حقوقی پیام آموزش، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، شماره ۳۰.
۱۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۶)، « تقریرات درس حقوق کیفری اقتصادی »، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

14. JoseRico, "Notes introductives a letude de la Criminalite des affaires", luniversite dc montereal, 2012.

15. Lui, Francis, T(1986), "A Dynamic Model of Corruption Deterrence", Journal of Public Economics, Vol. 31Pp. 125-236.

16. – Muthomi, Thiankolu, " The Anti – Corruption And Economic Crimes Act", Has Kenya Discharged Her Obligations To Her Peoples And The World ?, LL.B.(Hons.) Nairobi . 2006.

17. Ostrerfeld, David, 2006, Corruption and development, Journal of Economic Growth, Vol. 2 No.4, Pp.13-20.

18. Sjogren, Hans & Goran, Skogh , " New Perspectives on Economic Crime " , Edward Elgar Publishing Limited , U.K.2004 .

19 .Wolfsburg, Ostrerfeld, David,(2006), Corruption and development, Journal of Economic Growth, Vol. 2 No.4, Pp.13-20.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی